



بررسی فرایندهای واجی گویش لکی الشتری و مقایسه آنها با فارسی معیار

Phonological Processes of Laki Dialect in Comparison with Standard Persian

محمد یوسفوند^۱✉، محمدرسول یوسفوند^۲، سعیده ساکی انتظامی^۳
Mohammad Yousefvand¹✉, Mohammad Rasoul Yousefvand²,
Saeideh Saki Entezami³

¹ PhD in Linguistics, Department of English Language and Literature, Lorestan University, Khorramabad, Iran. Corresponding author: mmyousefvand@gmail.com

² MA in General Linguistics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

³ Assistant Professor of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Khorramabad Branch, Iran.

^۱ دکتری زبان شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران.
نویسنده مسئول: mmyousefvand@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد زبان شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران.

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، ایران.

چکیده	اطلاعات مقاله
پژوهش حاضر با هدف بررسی برخی از فرایندهای واجی گویش لکی الشتری صورت پذیرفته است. از آنجا که انجام چنین پژوهشی مستلزم کار میدانی بود، نگارندگان پس از انتخاب منطقه لک زبان الشتر به جمع آوری داده‌ها اقدام نمودند. در این پژوهش توصیفی - تحلیلی، پس از انتخاب آزمودنی‌ها (۱۰ نفر بالای ۴۰ سال)، داده‌های مورد نظر، از طریق پرسش و پاسخ، مصاحبه و مشاهده، جمع‌آوری و تحلیل شدند. سپس داده‌ها بر اساس الفبای بین‌المللی IPA آوانگاری شد. به‌منظور یافتن فرایندهای واجی، علاوه بر مطالعات آوایی، برخی ملاحظات ساخت‌واژی نیز به‌ضرورت پژوهش بررسی شد. نتایج نشان داد که در این گویش، برخی فرایندها از جمله تضعیف و حذف نسبت به سایر فرایندها فعال‌تر هستند.	تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۸
	واژگان کلیدی فرایندهای واجی گویش لکی همگونی تضعیف ناهمگونی
Abstract: The present study was conducted with the aim of investigating some phonological processes in the Laki dialect of Alishtar. Since the current study required fieldwork, the authors selected Alishtar, one of the Lak-speaking regions as the target area and proceeded to collect data. In this descriptive-analytical study, after selecting the participants (10 individuals over the age of 40), the required data were collected through question-and-answer sessions, interviews, and observation, and were subsequently analyzed. The data were transcribed using the International Phonetic Alphabet (IPA). To identify phonological processes, in addition to phonetic studies, some morphological considerations were also investigated as necessitated by the study. The results showed that in this dialect certain processes such as weakening and deletion are more active compared to others.	History Received: March 25, 2025 Accepted: May 29, 2025
	Keywords Phonological processes Laki dialect Assimilation Weakening Dissimilation

استناد: یوسفوند، محمد، یوسفوند، محمدرسول، ساکی انتظامی، سعیده (۱۴۰۴). بررسی برخی از فرایندهای واجی در گویش لکی الشتری. گویش پژوهی، ۱(۱)، ۱-۱۳.

<https://dx.doi.org/10.61882/jdr.1.1.1>

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله. فصلنامه گویش پژوهی، مجله علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

۱. مقدمه

در این پژوهش به توصیف و تحلیل چند فرایند واجی در همخوان‌های گویش لکیِ الشتری پرداخته می‌شود. منشأ گویش لکی، پهلوی اشکانی است. ابن ندیم در الفهرست می‌نویسد که به اعتقاد عبدالله بن مقفع، پهلوی منسوب است به «پَهله» که نام پنج شهر بوده است: اصفهان، ری، همدان، نهاوند و آذربایجان. با توجه به اینکه پَهله بخشی از شهرستان‌های همدان، از جمله نهاوند، ملایر، لرستان و ایلام کنونی را دربر می‌گیرد، می‌توان گفت که پَهله همان زاگرتی یا زاگرس عصر مادی است. گویش لکی به چهار لهجه اصلی تقسیم می‌شود: لهجه الشتری، لهجه کوهدهشتی، لهجه نورآبادی (دلفانی) و لهجه بیرانوندی. شباهت سه لهجه اول بیش از لهجه چهارم است. این سه لهجه به دلیل برخورداری از عامل مهم آهنگین بودن، نسبت به لکی بیرانوندی با شعر بیشتر عجین بوده‌اند (تراب‌پور، ۱۳۸۰: ۱۵).

امروزه بیشتر واژگان لکی، که از گویش‌های قدیم ایران است، به زبان پهلوی نزدیک‌اند. این گویش با زبان اوستایی و پهلوی (فارسی میانه) شباهت‌های بسیاری دارد؛ و این شباهت‌ها نه تنها واژگان، بلکه آواها را نیز شامل می‌شود (کاظمی، ۱۳۸۴: ۵). امان‌الهی بهاروند (۱۳۷۴) گویش لکی را یکی از گویش‌های ایرانی شمال غربی می‌داند که در کنار گویش‌های کردی، گیلکی، بلوچی، طالشی، سمنانی، خراسانی و غیره قرار دارد.

۲. شهرستان سلسله (الشتر)

الشتر یکی از شهرهای شمالی استان لرستان می‌باشد که از شرق به شهرستان بروجرд و بخش چغلوندی، از جنوب به خرم‌آباد و رشته‌کوه سفیدکوه، از غرب به شهرستان دلفان و از شمال به کوه گرین و شهرستان نهاوند منتهی شده است. این شهر یکی از خوش‌آب‌وهواترین شهرهای استان لرستان می‌باشد که دارای چندین سراب پُرآب است. معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: کهمان، تخت‌شاه، سراب خاصو، سراب امیر، سراب گلوم‌کو، سرخه، بتکی، زز، هنام، چنار و چشمه‌های فراوان دیگر (عسکری عالم، ۱۳۸۴: ۳۳).

وجه تسمیه الشتر، به اعتقاد برخی از مورخان، از واژه «ارتخستر» که نام اردشیر بابکان ساسانی بوده، گرفته شده است. اما به باور بسیاری دیگر، الشتر از «ایشتر» — یعنی فرشته باران و الهه عشق و زیبایی — گرفته شده است. همچنین بسیاری از مورخان نیز بر این باورند که کاسی‌ها، پیش از مهاجرت آریایی‌ها به ایران، در همین منطقه ساکن بوده‌اند (همان: ۳۴). وی همچنین معتقد است با توجه به حفاری‌ها و اکتشافات اخیر که در این منطقه صورت گرفته است، شهر «نیسان» — که داریوش بزرگ در کتیبه‌های برجای‌مانده از آن نام برده است — در این منطقه قرار داشته است (همان).

۳. قوم لک و پراکندگی آن

در مناطق جنوب غربی و غرب ایران و در استان‌های لرستان، کرمانشاه، ایلام، جنوب استان همدان و کوهپایه‌های زاگرس، مردم به زبان لکی — که بازمانده زبان باستانی ایرانیان «اشکانی - هخامنشی» است — صحبت می‌کنند. زبان لکی، افزون بر مناطق فوق، حوزه و گستره بسیار وسیعی دارد. پراکندگی این زبان در استان‌های شمالی کشورمان مانند: مازندران، گیلان، قزوین، خراسان و استان فارس، که مردمان لک به صورت مهاجرت خودخواسته و یا تبعید اجباری کوچانده شده‌اند، نیز وجود دارد. لک‌ها در کشورهای دیگر مانند ترکیه، عراق، جمهوری‌های قفقاز جنوبی و حتی در کشورهای اروپای شرقی نیز سکونت دارند، که بعضاً آداب و رسوم و فرهنگ ویژه خود را حفظ کرده و پاس داشته‌اند (عسکری عالم، ۱۳۸۴: ۷).

جغرافیای اصلی زبان لکی، محدوده شهرستان‌های هم‌مرز، اسدآباد همدان، بیجار، کامیاران، پاوه، اورامان، کرد، پاتاق، اسلام‌آباد (شاه‌آباد) کرمانشاه، صحنه، هرسین، طرحان، کنگاور، دلفان، الشتر، هررو، سیمره و ایلام را شامل می‌شود (ایزدپناه، ۱۳۸۴: ۹).

در استان لرستان، مردم شمال و شمال غربی، در شهرستان‌های سلسله (الشتر)، دلفان، کوهدشت و بخش‌های زاغه و چغلوندی به گویش لکی تکلم می‌کنند. همچنین برخی از مردمان شهرستان بروجرد و قسمت شمال شرقی شهر خرم‌آباد لک زبان می‌باشند (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۴: ۵۴). تعداد زیادی از ساکنان شهرهای کرکوک، خاتقین و بخش‌های دیگری از کشور عراق نیز به گویش لکی سخن می‌گویند (کاظمی، ۱۳۸۴: ۵).

گویش لکی در اصل در شهرستان‌های سلسله و دلفان و طوایف بیرانوند و بالاگریوه واقع در خرم‌آباد، طوایف پیشکوه و همچنین طرهانی‌ها (کوهدشت)، جالوندها، هلیل‌ها و احمدوند هرسین رواج دارد (Mortensen, 1993). به نقل از کاظمی، ۱۳۸۴: ۵.

۴. فرایندهای واجی

بی‌جن‌خان (۱۳۸۴) بیان می‌دارد که فرایندهای واجی^۱ دلالت بر نوعی تغییر ساختاری در مشخصه‌ها یا عناصر واجی زبان دارند. این تغییر ساختاری، در رویکرد خطی واج‌شناسی اشتقاقی، به صورت قواعد حساس به بافت و در رویکرد غیرخطی واج‌شناسی اشتقاقی، به صورت نمودارهای چندلایه بازنمایی می‌شود. عمرانی (۱۳۸۲) بر این باور است که بخش واژگان زبان، بیش از هر بخش دیگری از انواع تغییرات علمی، فرهنگی و اقلیمی تأثیر می‌پذیرد. این تغییرات ممکن است به مرور زمان در تلفظ، شکل نوشتاری و معنای واژه ظاهر شوند. واحدهای آوایی زبان، هرگاه در زنجیره کلام در کنار یکدیگر قرار گیرند، از هم تأثیر می‌پذیرند. هرگاه این تأثیرات نمود واجی پیدا کنند؛ یعنی در حد تغییر، حذف، افزایش و... یک واج باشند، فرایند واجی نامیده می‌شوند.

۴-۱. همگونی

در همگونی^۲، یک آوا تغییر می‌کند تا شبیه به آوای نزدیک به خود شود؛ البته لازم نیست که حتماً مجاور یکدیگر باشند (Jensen, 2004: 55). حق‌شناس (۱۳۸۴: ۱۵۲) می‌نویسد: گاهی یک همخوان، در همنشینی با همخوانی دیگر، پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آن، مختصات آوایی همخوان مجاور را به خود می‌گیرد. کامبوزیا (۱۳۸۵: ۱۶۷) معتقد است که یک واحد واجی به واحد واجی دیگر، در یک یا چند مشخصه، شبیه می‌شود. تأثیر یک آوا بر آوایی دیگر می‌تواند آن‌چنان قابل توجه باشد که شنوندگان، آوای تغییر یافته را به صورت یک واحد کاملاً متفاوت درک کنند. این فرایند در واج‌شناسی «همگونی» نامیده می‌شود (مدرسی قوامی، ۱۳۹۲: ۹۹).

کنستووچ در مورد طبقه‌بندی انواع همگونی بیان می‌دارد که می‌توان همگونی را بر مبنای این که مشخصه‌های آوای تغییر یافته تا چه اندازه با مشخصه‌های آوای پیرامونی مطابقت دارند، توصیف کرد (Kenstowicz, 1994: 21). بنابراین، دو نوع همگونی داریم: همگونی کامل و همگونی ناقص. در همگونی کامل، آوای تغییر یافته تمام مشخصه‌های محیط را به خود می‌گیرد؛ اما در همگونی ناقص، آوا در یک یا دو مشخصه به آوای محیط شبیه می‌شود.

آرلاتو (۱۳۸۴: ۹۴) دو نوع همگونی پس‌رو و پیش‌رو را از هم متمایز می‌کند: همگونی پس‌رو روندی است که طی آن، یک همخوان با همخوانی که پس از آن می‌آید، مشابه می‌شود؛ و همگونی پیش‌رو هنگامی پدید می‌آید که واج نخست ثابت می‌ماند و به طریقی، واج دوم را شبیه خود می‌کند.

^۱ phonological processes

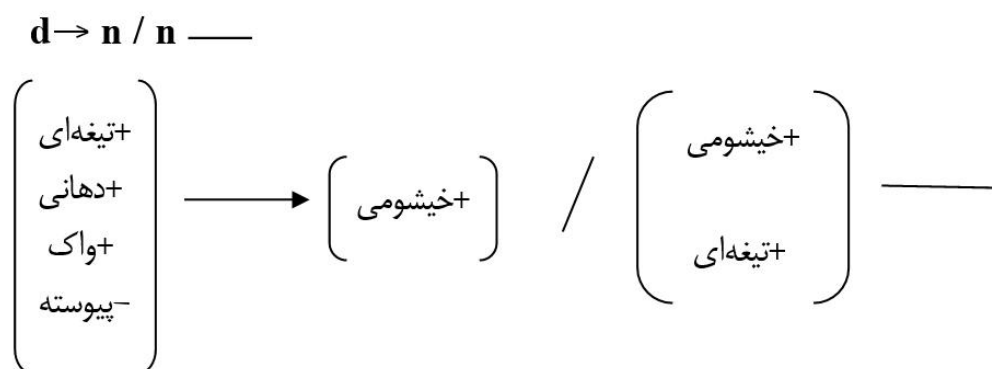
^۲ assimilation

۴-۱-۱. تبدیل nd به nn

در گویش لکی هرگاه [d] پس از [n] گیرد، واحد واجی /n/ مشخصه خیشومی خود را به [d] گسترش می‌دهد بنابراین [d] به‌طور کامل با [n] همگون می‌شود.

لکی	واج‌نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
bænnæ	bænde	بنده
rænnæ	rænde	رنده
χænnæ	χænde	خنده

با توجه به مثال‌های بالا می‌توان قاعده خطی زیر را رسم نمود:



براساس قاعده بالا در گویش لکی هرگاه همخوان انسدادی /d/ پس از همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ درون يك واژه قرار گیرد، همخوان [d] بر اثر همگونی کامل به همخوان [n] تبدیل می‌شود. این فرایند در فارسی معیار رخ نمی‌دهد.

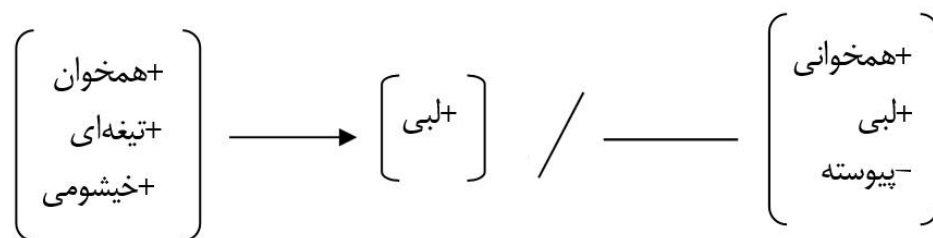
۴-۱-۲. تبدیل n به m قبل از b

این نوع همگونی که همگونی پسرو نامیده می‌شود در داده‌های زیر نمایان است.

لکی	واج‌نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
pæmɛ	pænbe	پنبه
g ^w emæ	ʃonbæd	گنبد
ʔæmɑr	ʔænbɑr	انبار
d ^w emɛ	donbe	دنبه

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود اگر همخوان خیشومی تیغه‌ای [n] قبل از انسدادی لبی قرار گیرد، در مشخصه [+ لبی] با انسدادی همگون می‌شود و به خیشومی لبی [m] تبدیل می‌شود. بنابراین می‌توان قاعده زیر را برای آن نوشت:

$$n \rightarrow m / \text{ — } b$$



از سوی دیگر در این داده‌ها مجاورت [b] با [m] باعث شده است این دو همخوان از نظر شیوه تولید کاملاً با هم همگون شوند.

$$b \rightarrow m / m \text{ — }$$

هرگاه تمام اطلاعات لازم برای شکل‌گیری يك قاعده در بازنمایی آوایی حضور داشته باشد، به آن قاعده شفاف می‌گویند (Kenstowicz, 1994: 99). به عبارتی دیگر، اگر توصیف ساختاری و تغییر ساختاری هر دو در روستاخت حضور داشته باشند و در بافت مورد نظر دیده شوند، قاعده شفاف داریم؛ در غیر اینصورت، در مقابل آن قاعده تیره خواهیم داشت. در داده‌های بالا عامل همگونی یعنی همخوان [b] حضور ندارد اما همگونی رخ داده است. بر اساس قاعده تیره می‌توان نتیجه گرفت که عامل همگونی در داده‌های بالا در ابتدا حضور داشته و همگونی پسرو رخ داده و [n] به [m] تبدیل شده است؛ سپس بر اثر فرایند همگونی پیشرو همخوان [b] به [m] تبدیل شده است. پس از آن بر اثر بوجود آمدن همخوان مشدد در واژه، طبق اصل کم‌کوشی، یکی از همخوان‌های مشابه حذف شده است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که برای مثال اشتقاق واژه [pæmɛ] را از ریرساخت تا روستاخت می‌توان به صورت زیر نمایش داد:

/ # pænbe # /	بازنمایی زیرساختی
pæmbɛ	قاعده همگونی پسرو
pæmmɛ	قاعده همگونی پیشرو
pæmɛ	حذف یکی از دو m
pæmɛ	بازنمایی روستاختی

۴-۱-۳. خنثی‌شدگی بین r و l

معنای فارسی	واج‌نویسی فارسی معیار	لکی
برگ	bærɟ	væɟg
زهره یا جرأت	zæhre	zeɬæ
قبر	Gir	qiɬ
مردار	mordar	merdaɬ

با توجه به داده‌های بالا می‌توان قاعده خط زیر را برای آن‌ها نوشت:

$$r \rightarrow l / v \text{ —}$$

$$\begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ +\text{تیغه‌ای} \\ +\text{ر سا} \\ -\text{کناری} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} +\text{کناری} \end{pmatrix} / v \text{ —}$$

این پدیده در فارسی معیار مشاهده نمی‌شود و واج‌های /r/ و /l/ در تمام جایگاه‌ها تمایز خود را حفظ می‌کنند.

۴-۲. ناهمگونی

در ناهمگونی^۳ يك آوا شباهت خود را به آوای نزدیک به خود از دست می‌دهد (Jensen, 2004: 55). در فرهنگ کریستال می‌خوانیم که ناهمگونی تأثیر يك واحد آوایی بر نحوه تولید واحد آوایی دیگر است، به طوری که باعث کم‌تر شدن شباهت آن دو واحد آوایی منجر شود و یا آن‌ها را از هم متفاوت کند (Crystal, 2003: 144).

لکی	واج‌نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
ʔæspæn	ʔesfænd	اسفند
ʔespenadʒ	ʔesfenadʒ	اسفناج
dɛspiʔ	dezful	دزفول
ʔɛspɛ	sefid	سفید

در گویش لکی هرگاه همخوان سایشی تیغه‌ای [s] به عنوان پایانه هجا بلافاصله قبل از همخوان سایشی غیرتیغه‌ای [f] به عنوان آغاز هجای بعدی قرار گیرد، همخوان [f] مخصوصاً در نزد افراد مسن به انسدادی بی‌واک [p] تبدیل می‌شود. بنابراین قاعده خطی زیر را می‌توان برای آن نوشت:

$$f \rightarrow p / s \text{ \$ —}$$

$$\begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ +\text{پیوسته} \\ +\text{لبی} \\ -\text{واک} \end{pmatrix} \rightarrow \begin{pmatrix} +\text{واک} \\ -\text{پیوسته} \end{pmatrix} / \begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ +\text{تیغه‌ای} \\ +\text{پیوسته} \\ +\text{تیز} \\ -\text{ر سا} \end{pmatrix} \$ \text{ —}$$

³ dissimilation

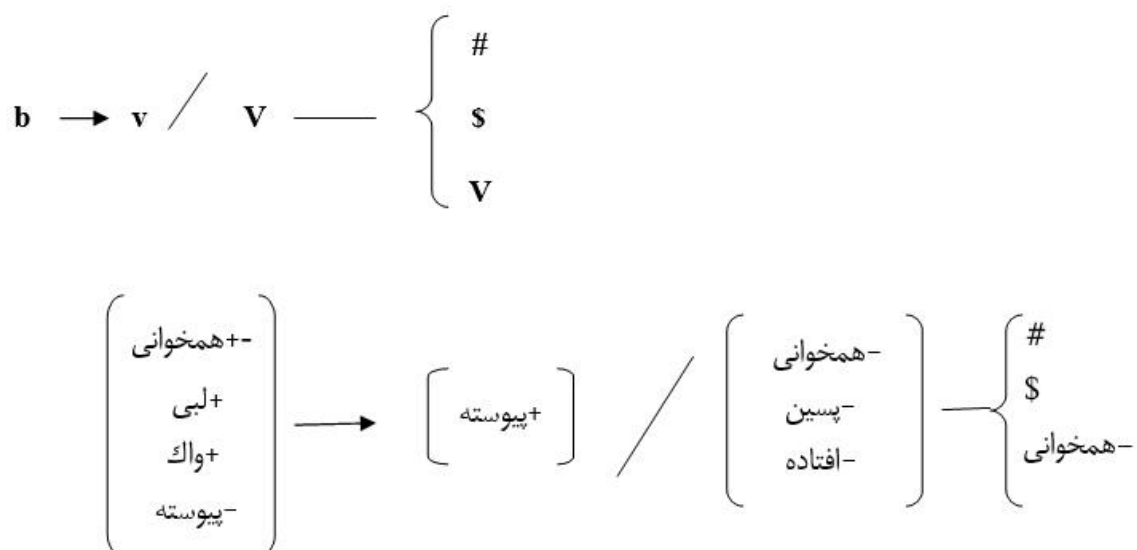
۳-۴. تضعیف

تضعیف^۴ به میزان کاهش در گرفتگی صدا گفته می‌شود (Spencer, 1996: 62). کنستووچ درباره فرایند تضعیف می‌نویسد، هرگاه جهت تغییرات آوایی از بست انسدادی به سایشی و از سایشی به ناسوده باشد، تضعیف صورت می‌گیرد. محیط پس از واکه معمولی‌ترین جایگاه آن است که به سایشی‌شدگی معروف است. در این گویش تضعیف به صورت سایشی‌شدگی و ناسوده‌شدگی دیده می‌شود (Kenstowicz, 1994: 35).

۱-۳-۴. سایشی‌شدگی

لکی	واج نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
(الف)		
tævæɾ	tæbæɾ	تبر
χævæɾ	χæbæɾ	خبر
zɛvɑ	ziba	زیبا
(ب)		
χæɾiv	Gærib	غریب
χɛv	Geib	غیب
ʔɛv	ʔeib	عیب

بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در گویش لکی همخوان انسدادی دولبی [b] در داده‌های «الف» در محیط بین دو واکه و در داده‌های «ب» در پایان واژه در صورتی که واکه قبلی پیشین باشد به همخوان سایشی لب و دندان [v] تبدیل می‌شود. بنابراین، می‌توانیم قاعده زیر را برای آن بنویسیم:



چنین فرایندی به طور رایج در فارسی معیار وجود ندارد.

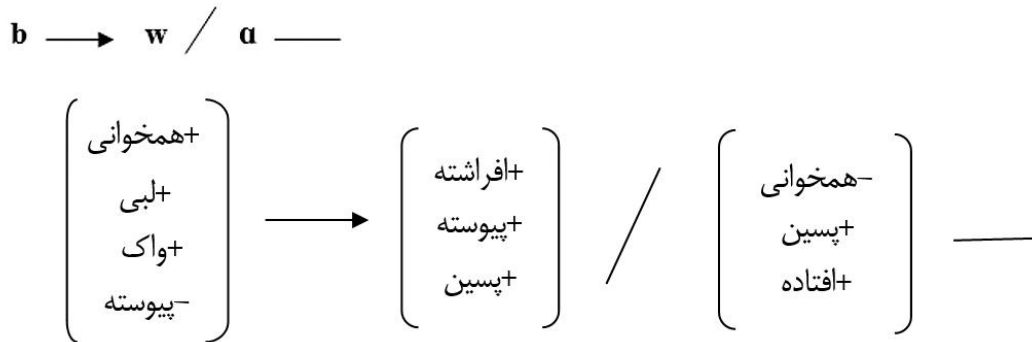
⁴ lenition

۴-۳-۲. ناسوده شدگی

در گویش لکی هرگاه همخوان دولبی [b] پس از واکه افتاده و پسین [a] قرار گیرد، به همخوان ناسوده [w] تبدیل می‌شود.

معنای فارسی	واج نویسی فارسی معیار	لکی
خواب	χab	χaw
آب	ʔab	ʔaw
کتاب	ketab	ketaw
خراب	χærab	χeraw
حساب	hesab	hesaw

با مشاهده داده‌های بالا ملاحظه می‌شود که همخوان دولبی [b] در محیط بعد از واکه [a] به همخوان ناسوده [w] تبدیل شده و نوعی تضعیف اتفاق افتاده است. قاعده این فرایند را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



۴-۴. حذف

وقتی یکی از عناصر واجی مانند واکه یا همخوان از زنجیره گفتار کم شود، فرایند حذف^۵ صورت می‌گیرد. معمولاً پایان هجا یا پایان واژه بیشتر جایگاه حذف است. برکوئست می‌نویسد، «حذف» یکی از فرایندهایی است که ساختار هجا را تغییر می‌دهد تا بتواند الگوی هجایی یا واژگانی قابل قبولی را در واج‌آرایی آن زبان به دست دهد (Burquest, 2001 : 169). کار حذف را فرایندی می‌داند که در آن يك واحد واجی تلفظ نمی‌شود (Carr, 2008 : 49).

۴-۴-۱. حذف [n] از پایان واژه

معنای فارسی	واج نویسی فارسی معیار	لکی
ران	ran	nɔ
آسمان	ʔaseman	ʔasemo
زمان	zæman	zæmo
نان	nan	nɔ

^۵ leletion

با در نظر گرفتن تناوب $n \sim \emptyset$ دو فرضیه خواهیم داشت:

۱- تبدیل $n \rightarrow \emptyset$ از ابتدا [n] در زیرساخت حضور داشته و سپس حذف شده است.

۲- تبدیل $\emptyset \rightarrow n$ از ابتدا [n] در زیرساخت حضور نداشته و سپس درج شده است.

یکی از آزمون‌های رسیدن به صورت زیرساختی واژه، بررسی صورت‌های وندافزایی شده به واژه مورد نظر است. برای مثال، [nɔ] در این گویش معادل [nan] در فارسی معیار است و در پایان این واژه، همخوان [n] وجود دارد. در گویش لکی، با افزودن پسوند جمع [æɬ] به واژه‌ی [nɔ] به صورت [nɔnæɬ] در می‌آورد، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود به هنگام جمع بستن همخوان خیشومی [n] نمایان می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در این گویش همخوان خیشومی [n] در پایان واژه در صورت زیرساختی حضور دارد و پس از واکهٔ پسین [ɔ] حذف می‌شود. قاعدهٔ آن به قرار زیر است:

$$n \rightarrow \emptyset / \text{ɔ} \text{ — } \#$$

$$\begin{pmatrix} +\text{همخوانی} \\ +\text{تیغه‌ای} \\ +\text{خیشومی} \end{pmatrix} \rightarrow \emptyset / \begin{pmatrix} -\text{همخوانی} \\ +\text{پسین} \\ -\text{افراشته} \\ -\text{افتاده} \end{pmatrix} \text{ — } \#$$

۴-۴-۲. حذف [d] و [t] از خوشه‌های st و zd

معنای فارسی	واج‌نویسی فارسی معیار	لکی
پست	pæst	pæʃ
دزد	dozd	d ^w ez
دست	dæst	dæʃ
ماست	mæst	mæʃ
مزد	mozd	mez

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود همخوان‌های تیغه‌ای [t] و [d] در پایان واژه در خوشه دوهمخوانی به‌عنوان عضو دوم خوشه حذف می‌شوند. قاعدهٔ این فرایند به گونهٔ زیر است:

$$\begin{pmatrix} +\text{تیغه‌ای} \\ -\text{پیوسته} \\ -\text{خیشومی} \end{pmatrix} \rightarrow \emptyset / \begin{pmatrix} +\text{تیغه‌ای} \\ +\text{پیوسته} \\ +\text{خیشومی} \end{pmatrix} \text{ — } \#$$

۴-۳. حذف همخوان واكدار پایانی

معنای فارسی	واج نویسی فارسی معیار	لکی
دوغ	duG	du
خوب	χub	χu
امروز	ʔemruz	ʔemru
دروغ	doruG	d ^w eru
جوب	dʒub	dʒu
چوب	tʃub	tʃu

همان گونه که در داده های بالا مشاهده می شود در گویش لکی واژه هایی که به همخوان های گرفته [d]، [z]، [b]، [G] و ختم می شوند و واكه قبل از آن ها واكه کشیده باشد، همخوان پایانی آن ها حذف می شود. اما این نوع فرایند حذف در فارسی معیار دیده نمی شود.

۴-۵. درج

درج عبارت از اضافه کردن يك آوا به واژه برای تسهیل در تلفظ آن واژه است (Jensen, 2004: 57). درج مفهومی کلی است که يك عنصر ساختاری جدید را در يك زنجیره گفتار وارد می کند (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۷۳).

معنای فارسی	واج نویسی فارسی معیار	لکی
قاچ	Gatʃ	qartʃ
شامپو	ʃampu	ʃampur
کاهو	kahu	kaHur

در این گویش و در گفتار افراد مسن، همان گونه که در داده های بالا مشاهده می شود، بعد از واكه کشیده همخوان روان [r] درج می شود که این حالت در فارسی معیار دیده نمی شود.

$$\emptyset \rightarrow r \quad / \quad \left[\begin{array}{c} \text{-همخوانی} \\ \text{+کشیده} \end{array} \right] \quad \text{---} \quad \left\{ \begin{array}{c} \# \\ tʃ \end{array} \right.$$

۴-۶. قلب

فرایندی که در آن آواهای موجود در يك کلمه جابجا شوند را قلب^۶ می نامند (Carr, 2008: 100). به عبارتی دیگر براساس نظر آرلاتو (۱۳۸۴: ۱۳۷) فرایند قلب يك نوع دگرگونی آوایی است که از جابجا شدن دو آوای مجاور مجاور حاصل می شود.

^۶ insertion

^۷ metathesis

۴-۶-۱. قلب در خوشه دوهمخوانی یا توالی دو همخوان که همخوان دوم يك همخوان روان است

لکی	واج نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
kɛrmit	kebrit	کبریت
sɛrf	sefr	صفر
færɣi	fæɣri	فخری
q ^w elf	Gofl	قفل
sætt	sætl	سطل

با توجه به داده‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که اگر در توالی cvc_1c_2 همخوان c_2 یکی از همخوان‌های روان [r] یا [l] باشد، احتمال وقوع فرایند قلب وجود دارد.

۴-۶-۲. قلب در خوشه دوهمخوانی که همخوان اول غیرتیغه‌ای و همخوان دوم تیغه‌ای باشد

لکی	واج نویسی فارسی معیار	معنای فارسی
mæzɡ	mæGz	مغز
ʔæsk	ʔæks	عکس
ræsq	ræGs	رقص
næʃq	næGʃ	نقش
næʃqæ	næGʃe	نقشه

در داده‌های بالا مشاهده می‌شود که در گویش لکی الشتری فرایند قلب در ساخت cvc_1c_2 رخ می‌دهد، به‌طوری‌که c_2 یکی از همخوان‌های تیغه‌ای [z, s, ʃ] باشد و c_1 يك همخوان غیرتیغه‌ای باشد. چنین فرایندی ممکن است در بعضی کلمات و در فارسی محاوره‌ای مشاهده شود، اما در فارسی معیار چنین فرایندی رخ نمی‌دهد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش سعی بر آن شد که به معرفی برخی از فرایندهای واجی گویش الشتری پرداخته شود. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در این گویش فرایندهای حذف و تضعیف از بقیه فعال‌ترند. همچنین نتایج دیگری به‌دست آمد که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- در گویش لکی هرگاه همخوان انسدادی /d/ پس از همخوان خیشومی و تیغه‌ای /n/ درون يك واژه مانند «خنده» قرار گیرد، همخوان [d] بر اثر همگونی کامل به همخوان [n] مانند /χænnæ/ تبدیل می‌شود.
- ۲- در این گویش هرگاه همخوان سایشی تیغه‌ای [s] به‌عنوان پایانه هجا بلافاصله قبل از همخوان سایشی غیرتیغه‌ای [f] به‌عنوان آغاز هجای بعدی قرار گیرد، همخوان [f] مخصوصاً در نزد افراد مسن به انسدادی بی‌واک [p] تبدیل می‌شود. مانند واژه اسفند که به /ʔæspæn/ می‌شود.

- ۳- همچنین بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که در گویش لکی همخوان انسدادی دولبی [b] در محیط بین دو واکه و در پایان واژه در صورتی که واکه قبلی پیشین باشد به همخوان سایشی لب و دندانی [v] تبدیل می‌شود.
- ۴- در گویش لکی واژه‌هایی که به همخوان‌های گرفته [G]، [b]، [z] و [d] ختم می‌شوند و واکه قبل از آن‌ها واکه کشیده باشد، همخوان پایانی آن‌ها حذف می‌شود.
- ۵- در این گویش و در گفتار افراد مسن بعد از واکه کشیده همخوان روان [r] درج می‌شود.
- ۶- در گویش لکی الشتری فرایند قلب در ساخت CVC_1C_2 رخ می‌دهد، به‌طوری که C_2 یکی از همخوان‌های تیغه‌ای [z, s, ʃ] باشد و C_1 يك همخوان غیرتیغه‌ای باشد.

کتاب‌نامه

- آرلوتو، آنتونی (۱۳۸۴). درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امان‌الهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴). قوم لر. تهران: آگاه.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۶۷). فرهنگ لکی. موسسه فرهنگی جهانگیری. چاپخانه گیلان.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۸۴). شاهنامه‌ی لکی. تهران: اساطیر.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). واج‌شناسی نظریه‌بپینگی. تهران: سمت.
- ترابپور، علی (۱۳۸۰). تحلیل شعر معاصر لرستان بر اساس چهره‌های شاخص این دوره. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۴). آواشناسی. چاپ دهم. تهران: آگاه.
- رحیمی عثمانوندی، رستم (۱۳۷۹). بومیان دره‌ی مهرگان: تحقیقی پیرامون قوم (لک) یا بومیان دره‌ی مهرگان کده (سیمره) از عصر حجر تا کنون. کرمانشاه: ماهیدشت.
- عالی‌پور خرم‌آبادی، کامین (۱۳۸۴). دستور زبان لکی، ضرب‌المثل‌ها و واژه‌نامه. خرم‌آباد: افلاک.
- عسکری عالم، علیمردان (۱۳۸۴). فرهنگ واژگان لکی به فارسی. خرم‌آباد: افلاک.
- عمرانی، غلامرضا (۱۳۸۲). راهبردهای یاددهی-یادگیری زبان فارسی. تهران: اندیشه‌سازان.
- کاظمی، فروغ (۱۳۸۴). بررسی خطاهای نحوی لک زبانان در یادگیری و کاربرد زبان فارسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالی (۱۳۸۵). واج‌شناسی (رویکردهای قاعده‌بنیاد). تهران: سمت.
- مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۲). آواشناسی: بررسی علمی گفتار. تهران: سمت.

Amanollahi Baharvand, S. (1995). *The Lur ethnic group*. Tehran: Agah. (in Persian)

Alipour Khorramabadi, K. (2005). *Laki grammar, proverbs, and glossary*. Khorramabad: Aflak. (in Persian)

Arlotto, A. (2005). *Introduction to historical linguistics* (Y. Modarresi, Trans.). Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. (in Persian)

Askari Alam, A. (2005). *Laki-Persian vocabulary*. Khorramabad: Aflak. (in Persian)

Bijankhan, M. (2005). *Phonology and optimality theory*. Tehran: SAMT. (in Persian)

- Burquest, D. A. (2001). *Phonological Analysis (A Functional Approach)*. USA : SIL International.
- Carr, P. (2008). *Phonology*. New York : McMillan Press.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. USA : Blackwell Publishing.
- Haghshenas, A. M. (2005). *Phonetics* (10th ed.). Tehran : Agah. (in Persian)
- Izadpanah, H. (1988). *Laki dictionary*. Jahangiri Cultural Institute, Gilan Press. (in Persian)
- Izadpanah, H. (2005). *The Laki Shahnameh*. Tehran : Asatir. (in Persian)
- Jensen, J. T. (2004). *Principles of Generative Phonology: An Introduction*. John Benjamins Publishing Company
Amsterdam/ Philadelphia.
- Kambouzia Kord Zafaranlou, A. (2006). *Phonology: Rule-based approaches*. Tehran : SAMT. (in Persian)
- Kazemi, F. (2005). *A study of syntactic errors made by Lak speakers in learning and using Persian* (M.A. thesis, Teaching Persian to non-Persian speakers). Tehran : Allameh Tabataba'i University. (in Persian)
- Kenstowicz, M. (1994). *Phnology in Generative Grammar*. UK : Blackwell Publishing.
- Modarresi Ghavami, G. (2013). *Phonetics: A scientific study of speech*. Tehran : SAMT. (in Persian)
- Omrani, G. (2003). *Teaching-learning strategies for Persian language*. Tehran : Andisheh Sazan. (in Persian)
- Rahimi Osmanvandi, R. (2000). *The natives of Mehrgan Valley: A study on the Lak ethnic group from the Stone Age to present*. Kermanshah : Mahidasht. (in Persian)
- Spencer, A. (1996). *Phonology: Theory and Description*, Oxford : Blackwell.
- Torabpour, A. (2001). *An analysis of contemporary poetry in Lorestan based on key figures of this period* (M.A. thesis, Persian Language and Literature). Tehran : Shahid Beheshti University. (in Persian)